

وقتی در تاریخ

یکی از همکاران بنده در شماره ۱۰۰ از انتشارات دانشگاه اصفهان مقاله‌ای تحت عنوان «مسئله ارمنه در امپراتوری عثمانی» انتشار داده و در آن کوشیده‌اند تا روای جنایات عده‌ای پان توریست تازه بدوران رسیده سرپوش نهاده رفتار پلید و وحشیانه آنها را منطقی جلوه دهند. از صفحه اول آغاز کنیم: همکار گرامی در آنجا که درباره دین ارمنه گفتگو بعمل آورده‌اند چنین اظهار عقیده می‌کنند:

«فرهنگ مستقلی نداشتند و بیشتر تحت تأثیر فرهنگ ترک بودند».

آیا بهتر نبوده که نویسنده گرامی قبل از نوشتن این جمله که مسلماً از منابع ترکی الهام گرفته‌اند لاقلاً به کتاب (ارمنستان گهواره تمدن) (۱) اثر تاریخ دان معروف داوید مارشال لانگ (۲) مراجعه نموده با فرهنگ و تمدن ارمنه که از قرن‌های پیش از

1-Armenia , Cradle of Civilization , PP.212-262, 263 -285

2- David Marshall Lang

می‌لاد سابقه تاریخی دارد آشنایشندند؟ در اینجا بد نیست پاسخ جمله فوق را از زبان یکی از رهبران انقلاب ترکیه یعنی شریف پاشا بشنویم. پاشای نامبرده یکی از اعضاء عالی رتبه همان حزبی است که فرمان تبعید و کشتار ارمنه را صادر نموده بود. وی در نامه‌ای که به روزنامه‌ی ژورنال دو ژنو (۱) مینویسد از سیاست ظالمانه دولت عثمانی در تبعید و قتل ارمنه اظهار ناراحتی کرده چنین اظهار می‌دارد:

« نابود کردن ملتی که آثار فرهنگی بزرگی بوجود آورده اند و برای کشور ترکیه ایجادکننده زندگی مدرن میباشند کاری بسیار زشت و نکوهیده است. سپس در قسمت دیگر نامه‌ی خود چنین آورده است: «اگر ملتی را سراغ داشته باشیم که با وفاداری و خدمات صادقانه و کوشش کارمندان و رجال باهوش و کاردان خود در رشته‌های بازرگانی و هنر و صنعت آثار ارزنده‌ای بوجود آورده باشد همانا ملت ارمنی است. بسیاری از آنان دارای روحی بزرگ میباشند. این ارمنه هستند که صنعت چاپ و هنرهای دراماتیک را در ترکیه رواج داده اند. » (۲)

طبق آمار دقیقی که بعمل آمده در آلمان بیش از ۱۲۰۰۰۰ تن دانش آموز در مدارس مترقی ارمنه تربیت می شدند. با مقایسه آمار رسمی دولت ترکیه که طبق آن تعداد دانش آموزان همه‌ی مدارس کشور را فقط به ۲۴۲۰۶۹ نفر می‌رساند، فرهنگ دوستی ارمنه که جزو اقلیت‌های مذهبی بوده اند بهتر آشکار میگردد. (۳) هنگامیکه انقلابیون قدرت بدست آوردند بفرمان انور پاشا مدارس ارمنه بسته شد و از انتشار روزنامه‌های آنان جلوگیری بعمل آمد. (۴)

1- Journal de Genève

2- Dr. Johannes Lepsius , Der Todesgang des - Armenischen Volkes , 1 . Teil , Die Tatsache S . 237

3- idid

4- Der Todesgang ... S . 237

در اینجا نیز از گفته‌ی یکی از نویسندگان و سیاستمداران آلمانی، دکتر یوهانس لپسیوس (۱) که مدتها، بخصوص در هنگام تبعید و کشتار ارمنه، در کشور ترکیه بسر میبرده است اینخاوند سند میکنیم. نامبرده اظهار میدارد: « عثمانیان با از بین بردن ارمنه، ضربه سختی به اقتصاد و فرهنگ کشور خود زدند ». (۲)

همکارگرایی، در جای دیگر بحث درباره کشتار ارمنه را طوری پیش کشیده‌اند که گویا این اقلیت مذهبی تحت تأثیر تحریکات روسها و انگلیسها قرار گرفته، بر ضد دولت عثمانی شورش کرده‌اند ولی فراموش کرده‌اند که در آن زمان دولت انقلابی و تازه روی کار آمده عثمانی، راه پان‌تورانیسم را پیش گرفته بر آن بود تا دولت و کشوری صد درصد ترک بوجود آورد. رهبران ترک تحت تأثیر همین افکار بران سر بودند که از مشرق اروپا و مراکز آسیا تا مرز چین را بزیر یک پرچم درآوردند و به پیروی از همین سیاست بود که تصمیم گرفتند ابتدا ارمنه را که تقریباً همه‌ی امور تجاری (۴۰ درصد صادرات و ۸۰ درصد تجارت داخلی) و صنایع و اقتصادی کشور را در دست گرفته و ثروت کلانی کسب کرده بودند از بین ببرند. (۳) در همین زمان بفرمان انور پاشا و طلعت پاشا به تجار و صاحبان مغازه‌ها حکم شده بود تا بلوهائی را که بزبان خارجی نوشته‌اند از بالای مغازه‌های خود پائین کشیده بجای آنها تا بلوهائی نصب کنند که فقط بزبان ترکی نوشته شده باشد. همچنین به استادان آلمانی که در مدارس ترکیه تدریس میکردند دستور رسیده بود که از آن پس فقط بزبان ترکی در کلاسها با امر تعلیم اشتغال ورزند. (۴)

در دهم اوت آن سال دکتر لپسیوس برای ملاقات انور پاشا بوزارت جنگ

- 1- Dr. Johannes Lepsius
- 2- Die Tatsache , 7 . Teil S . 243
- 3- A . Toyabce , Treatment of Armenians in the -
Ottoman Empire , P . 633 - 35
- 4- Der Todesgang des Armenischen Volkes , S . III

رفته از او درباره مسائل مختلف از جمله تبعید و کشتار ارمنه توضیحاتی می‌خواهد انورپاشا در پاسخ او چنین اظهار عقیده می‌کند:

« من تمام مسئولیت اعمالی را که در ترکیه جریان دارد بعهده می‌گیرم ». دکتر لپسیوس در باره از بین بردن روشنفکران ارمنی و همچنین در باره اثبات دلایلی برای شرکت آنها در توطئه‌های انقلابی بر علیه دولت ترکیه سؤالاتی می‌کند و پاشای نامبرده چنین پاسخ می‌دهد:

« ... احتیاج به اثبات و ذکر دلیل نیست . ما خودمان انقلابی هستیم و میدانیم که انقلاب چگونه آغاز می‌گردد . » (۱) سپس دکتر لپسیوس در ضمن صحبت‌های خود به انورپاشا چنین می‌گوید:

« شما با سرکوبی ارمنه و یونانیهای مقیم ترکیه که تقریباً همه‌ی تجارت خارجی و داخلی را در دست دارند لطمه شدیدی به اقتصاد کشورتان می‌زنید ، از آن گذشته ارمنه‌ی آناتولی بهترین کشاورزان ترکیه را تشکیل می‌دهند و با نابودی آنها لطمه بزرگی به اوضاع کشاورزی خود نیز وارد خواهید کرد ... ارمنه بمائند معده کشور ترکیه می‌باشند . شما خیال می‌کنید با بیرون آوردن معده می‌توانید وظیفه آنرا توسط اعضاء دیگری مانند ترکمن ها ، کردها و چرکیس ها انجام دهید . اشتباه بزرگی می‌کنید . »

انورپاشا در پاسخ وی چنین اظهار می‌دارد:

« ممکن است که ما چند سال بعد از جنگ معده ضعیفی داشته باشیم ولی بزودی رفع نقاهت شده قوی خواهیم شد . توجه داشته باشید که ملت ترك تعدادش به چهل میلیون میرسد . زمانی که همه تحت لوای يك کشور در آیند قدرت ما در آسیا مانند قدرت شما در اروپا خواهد شد . » (۲)

1- idid , S . Xv / Heinrich Vierbücher , Armenien ... , S

در اینجا چنین بنظر میرسد که آقای وزیر جنگ خیلی غلو کرده باشند چون در آن زمان جمعیت آنا تولی بیش از ۵ الی ۶ میلیون نبوده است که از آن عده هم در حدود یک میلیون تن بواسطه جنگ و بروز امراض گوناگون و قحطی از بین رفته بودند. آقای انور پاشا یا تیمور قرن بیستم گویا خیال داشته سر تا سر زمین های شمال دریای خزر، قفقاز و همه نواحی ترك نشین مشرق تا مرز چین را مسخر نماید تا ۴۰ میلیون هم نژادان خود را بزیر يك پرچم در آورد.

همکار عزیزم تأسفانه در نوشته های خود بیش از اندازه تحت تأثیر نویسندگان مغرض قرار گرفته اند و بدینجهت هم در مقاله خود تقصیر قتل عام ارامنه را بگردن خود آنها انداخته و از دولت انقلابی عثمانی دفاع کرده اند. از جمله مینویسند: «در سپتامبر ۱۸۹۴ باز اوضاع بحرانی شد. ارامنه مقیم استانبول پس از تظاهرات خیابانی وسیعی بطرف بابعالی (کاخ صدارت عظمی) حرکت کردند. دولت برای جلوگیری از این حرکت به نیروی نظامی متوسل شد. ارامنه بسوی افراد نظامی شلیک کردند و عده ای از سر بازان ترك را کشتند. بالنتیجه سر بازان نیز متقابلا بروی تظاهرکنندگان تیراندازی نمودند...»

بطوریکه ملاحظه میشود در اینجا گفته شده است که اول ارامنه شروع به تیراندازی کرده و عده ای از سر بازان ترك را کشته اند. حال بدینست بینیم ناظران آلمانی که بگفته خود نویسنده «از طرفداران حکومت عثمانی بودند» در این باره چه میگویند:

در ۳۰ سپتامبر ارامنه قسطنطنیه برای آنکه در مورد وعده هایی که بموجب قرارداد برلین بدانان داده بودند، جواب مثبت بگیرند تقاضا نامه ای نوشته خیال رفتن بحضور وزیر را داشتند.

بدین منظور گروه ۲۰۰۰ نفری از ارامنه در خیابانهای استانبول راه افتاده

بسوی باب عالی روانه شدند. از طرفی دولت قبلا به پلیس شهر ماموریت داده بود که از رسیدن تقاضانامه به باب عالی جلوگیری بعمل آورد. همچنین دولت بکارمندان و عده‌ای دیگر که قبلا باچوب دستی مجهز شده بودند دستور داده بود که تظاهراتی برخلاف ارامنه صورت دهند. هنگام برخورد این دو گروه کار بمشاجره و زد و خورد کشید و در آن، پلیس و ژاندارمری هم برضد ارامنه همکاری مینمودند. در این زد و خورد عده‌ی زیادی از ارامنه و دیگران مورد اصابت گلوله قرار گرفتند، در همان شب پانصدتن از ارامنه زندانی میکردند و بقیه از ترس به کلیساها پناه میبردند (۱) همکارگرمای در جای دیگر چنین مینویسد: «درحقیقت بعد از معاهده برلن ارامنه برای تأمین خواسته‌هایشان و قبولاندن آنها بدولت عثمانی، به مبارزه مسلحانه پرداختند»

در اینجا هم متأسفانه یکجانبه قضاوت شده است چون هنگامیکه دولت عثمانی خانه‌های ارامنه را بازبینی و جستجو میکرد هیچگونه دلیل و مدرکی که دال بر شورش و انقلاب باشد بدست نیامد. (۲)

از آن گذشته، مگر همین ارامنه نبودند که در آغاز کار هنگامیکه انقلابیون برضد سلطان عبدالحمید و رژیم دیکتاتوری وی قیام کرده میجنگیدند دوشادوش آنان جانبازی کرده و از هیچگونه تلاش خودداری نمیکردند؟ در سال ۱۹۰۹ هنگامیکه انقلابیون شکست خورده و فراری شده بودند همین ارامنه و اعضاء حزب داشناکسوتیون (۳) بودند که با وجود خطرات فراوانی که در انتظار آنان بود

1- Armenien und Europa , Eine Anklage , Berlin 1897, S. 10 - 11

2 - Die Tatsache , 1. Teil, S. 165 , 168 .

3 - Desnakcoutiun .

بفراریان پناه داده آنها را در خانه های خود مخفی میکردند (۱) همین انقلابیون جوان ترك پاداش آنهمه از خودگذشتگی را دو سال بعد هنگامیکه باكمك ارامنه فاتح شده زمام امور را بدست گرفتند دادند و اولین کاری که کردند آن بود که با خدعه ونیرنك ده کرسی نمایندگی را از چنك آنان بدرآوردند. در این حال ارامنه چه کاری از دستشان برمیآمد جز آنکه جدیت کنند دوستی وهمکاری خود را بیشتر نشان دهند تا گرفتار دشمنی و انتقامجویی آنان نگردند. و همین کار را نیز کردند چون بعدها در جنگهای بالکان با خلوص نیت و از خودگذشتگی آن فدا کاریهای مشهور را بجا آوردند که مورد تشویق دولت عثمانی نیز قرار گرفت. بعلاوه هنگامیکه در سال ۱۹۱۴ دولت عثمانی وارد جنگ بین الملل شد احزاب ارامنه با وفاداری کامل برای دفاع از میهن خود سرسختانه بجنگ پرداختند. (۲)

بنا باظهارات بیشتر نویسندگان ومطالعین اروپائی که به اوضاع آنروز دولت عثمانی آشنائی کامل دارند واغلب خود در آن هنگام در ترکیه بوده اند ارامنه خیال هیچگونه شورشى نداشته فقط تقاضای آزادی وبرابری و گرفتن ابتدائی ترین حق خود را مینمودند حتی در روزنامه های دولت عثمانی نیز بارها از وفاداری ارامنه بکشور خود ترکیه اشاراتی می شده است. (۳)

در آغاز جنگ بین الملل اول کلیه روزنامه های ارامنه، جوانان ومردان خود را برای دفاع از میهن خود ترکیه تشویق میکردند. از جمله روزنامه آزاتامارت (۴) (جنگ برای آزادی) در یکی از مقالات خود چنین آورده بود: «ما با جدیت کامل از خاک وسرزمینهایی که در آن زندگی می کنیم محافظت می کنیم سربازان ارمنی

1 -- Heinrich Vierbücher , Armenien, S. 41

2 - ibid

3 - Die Tatsache , S. 160

4 - Azatamart .

باصمیمیت و کوشش کامل از سرحدات و مرزهای کشور که مورد تهاجم دشمنان قرار گیرند دفاع خواهند نمود . »

پطریک (بطریق) بزرگ کلیسای گرگوری ارامنه بنام زاون در آغاز جنگ تلگرام زیر را برای همه ارامنه ترکیه مخابره می‌کند: « ملت ارمنی که صدها سال وفاداری خود را به ثبوت رسانیده اکنون که میهن و خانه‌اش با کشورهای دیگر در حالت جنگ قرار گرفته بایستی وظیفه مقدس خود را در جانبازی و دفاع از تاج و تخت عثمانی که پیوستگی محکمی با آن دارد به ثبوت رساند و از میهن خود دفاع کند . » (۱)

از طرفی اسقف‌ها و کشیش‌ها مأموریت یافته بودند که در انجمن‌های مذهبی با سخنرانی‌های خود مردم را در دفاع از کشور تشویق و تهییج نمایند. و بدین منظور هم در کلیساها برای پیروزی ترکیه مراسم دعا تشکیل می‌گردید اسقف‌های اعظم ارضروم و وان و نقاط دیگر تلگرافی بدولت مرکزی مخابره کرده‌اند که جوانان ارمنی را مثل همیشه برای دفاع از میهن خود ترکیه اعلام داشتند . (۲)

تلگرافات و اعلامیه‌های مزبور در روزنامه‌های ترکیه و آلمان مورد تشویق قرار گرفته درباره آن چنین جملاتی انتشار می‌یافت: « پشتیبانی روزنامه‌ها و استقبال ملت ارمنی از دفاع از کشور خود و دولت عثمانی از آغاز جنگ بین روسیه و ترکیه از هر جهت قابل تقدیر میباشد . » (۳)

ارامنه مقیم آلمان و اتریش هم همگام با هم‌نژادان تبعه ترکیه خود دست به تبلیغات موافقی زده‌اند از آن پشتیبانی می‌کردند، در شهر وین یک کمیته از ارمنی‌های

1 - Die Tatsache . . . , S. 160

2 - ibid , S. 160 ff .

3 - Der Todesgang . . . S. 161

مقیم آنجا برای خدمت در هلال احمر ترکیه تشکیل یافت. نماینده این کمیته به سفیر عثمانی دروین حسین حلمی پاشا که ضمناً ریاست هلال احمر را بعهدہ داشت مراجعه نموده ضمن گفتگوئی با او چنین اظهار می دارد:

«دولت ترکیه نباید هیچگاه در وفاداری و پشتیبانی ملت ارمنی شك و تردید بخود راه دهد.» (۱)

سربازان ارمنی که در جنگهای بالکان دست بدست هم مینهان ترك نژاد خود داده جانبازی می کردند از دولت عثمانی عالیترین نشان افتخار را دریافت کردند. در مدرسه نظام قسطنطنیه بهنگام انتخاب و سرباز گیری برای تربیت افسران ذخیره، جوانان ارمنی بمراتب بیش از ترك ها برای معرفی خود کوشش میکردند، بطوریکه در ابتدای کار بیش از ۱۵۰۰ تن از جوانان ارمنی که بیشتر متعلق به خانواده های معروف و ثروتمند بودند داوطلب نامنویسی و مشغول خدمت شدند (۲). هنگامیکه انور پاشا وزیر جنگ در ماه فوریه از جبهه جنگ قفقاز مراجعت میکرد در حین گفتگو با اسقف اعظم ارمنه از صمیمیت و رشادت سربازان ارمنی رضایت کامل خود را اظهار داشته بخصوص از دلآوری یکی از افسران ارمنی بنام او هانس چاوش (۳) که موفق شده بود با شجاعت جان سربازان هنگ خود را نجات دهد حکایاتی ذکر میکند (۴).

حزب داشناکسوتیون (متحدین) ارمنه از پشتیبانان صمیمی و کوشای حزب حریت واتحاد ترکیه و از طرفداران و همکاران انقلابیون بوده و از همه مهمتر در سقوط حکومت استبدادی سلطان حمید نقش بسیار مهمی را ایفا نموده بود، لذا

1 - ibid 161 - 162

2 - Die Tatsache ... S. 161

3 - Ohannes Tschausch

4 - Die Tatsache ... S. 161

چنین انتظار میداشت و خیال میکرد که با سقوط دولت سلطان حمید ، ارامنه در کشور خود ترکیه به برابری و آزادی خواهند رسید و اقلیت‌های مذهبی زندگی بهتری بدست خواهند آورد . (۱)

هنگامیکه انقلابیون پیروز شده بودند رؤسای مذهبی مسلمان و ارمنی در جلوی صف انقلابیون در خیابانهای استانبول میتینگ داده آن پیروزی را با هم جشن گرفتند . (۲)

با شروع جنگ بین‌الملل جوانان ارامنه در خدمت سر بازی بودند. مردانی که از عهده کار بر می‌آمدند در راهسازی و کارهای دیگر بکار مشغول بوده و فقط عده کمی از زنان و پیرمردان و کودکان در خانه مانده بکارهای کشاورزی اشتغال داشتند (۳) آیا این اشخاص در صدد انقلاب بودند؟ از آن مهمتر در بازرسی خانه‌های ارامنه اسلحه‌ای پیدا نشد چون قبلاً همه را جمع آوری کرده بودند . (۴)

اگر گروهی برای گرفتن ابتدائی‌ترین حق خود و یافتن آزادی عقیده که دولت قول آنرا بدانان داده در خیابانها راه افتاده بطرف مقرر دولت بروند گناهی چنان بزرگ مرتکب شده‌اند که پاداش آن تبعید و کشتار باشد . آنهم چه کشتاری که باعث بدنامی دولت عثمانی گردید بطوریکه مطبوعات انگلیسی بدان « سیاه ترین برک تاریخ » (۵) و آلمانها بدان « قصابی » نام دادند . (۶)

در یکی از روزنامه‌های چاپ استانبول مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۱۵ متن نامه

1 - Der Todesgang ... S, 174

2 - Heinrich Vierbücher ... S. 41

3 - Die Tatsache ... S. 170

4 - ibid, S. 195 - 198

5 - Blackest page .

6 - The Armenien Church in Contemporary Times, p.9

انورپاشا به اسقف قونیه بشرح زیر چاپ شده است :

« بسیار باعث تأسف من است که نتوانستم در توقف مختصری که در قونیه داشتم بحضور شما برسم . اخیراً افتخار پیدا کرده‌ام که نامه محبت آمیز شما را دریافت کنم . . . خواهشمند است تشکرات صمیمانه بنده را قبول نمایید . اکنون بدینوسیله باطلاعتان میرسانم که سر بازان ارمنی ارتش عثمانی در جنگها آنطور که من خود شاهد بوده‌ام، وظائف خود را بنحو احسن و شایسته انجام داده‌اند خواهشمندم تشکرات صمیمانه و سلام دوستانه مرا بملت ارمنی که پیوسته وفاداری خود را نسبت بدولت عثمانی بثبوت رسانیده است اعلام دارید . **انورپاشا وزیر جنگ دولت عثمانی (۱)** موضوع جالب توجه اینست که تا پنجمین ماه آغاز جنگ بین روسیه و ترکیه وضع بهمین منوال بوده و کوچکترین اثری از بدبینی و دشمنی مقامات ترکیه نسبت به ارامنه نمودار نبوده است . حتی در چهارم ژوئن ۱۹۱۵ اعلامیه زیر از طرف دولت عثمانی صادر میگردد :

« این امری نادرست و اشتباه محض است که بطوریکه دولتهای متفق در ۲۴ ماهه اظهار داشته‌اند در کشور ترکیه نسبت به ارامنه سوء قصدی شده و یا قتل عام صورت گرفته است . ارامنه ساکن ارض روم ، آگین ، ساسون ، بیتلیس ، موش و سیلیسین تاکنون هیچگونه عملی برخلاف مصالح مملکتی انجام نداده‌اند که سبب اغتشاش و ناامنی و باعث شدت عمل دولت گردد . »

ضمناً در همین هنگام ضیاء بیک کنسول ترکیه در ژنو بدستور دولت متبوعه خود بر علیه روزنامه های اروپا که در باره کشت و کشتار ارامنه در ترکیه ، مقالات شدیدالحنی نوشته بودند اعتراض کرده اعلامیه زیر را در تاریخ ۲۷ اوت انتشار میدهد :

« کلیه ارامنه تبعه ترکیه ، مردان ، زنان و کودکان آنان در آزادی کامل بسر

برده و از مراقبت و نگهبانی دولت حداکثر استفاده را میبرند. فقط چند نفری که مقصر شناخته شده توسط مقامات دادگستری تحت محاکمه قرار گرفته‌اند» (۱) پس در این صورت تا ماه سپتامبر این سال - بنا بگفته مقامات صلاحیت‌دار عثمانی - ارامنه در صدد انقلاب نبوده‌اند.

درست در همین اوقات دکتر رفعت (۲) یکی از اعضای حزب «حریت و اتحاد» در مصاحبه‌ای که در کپنهاگ از او بعمل آمده و در روزنامه اکسترا بلات (۳) مورخ ۱۴ اکتبر چاپ گردیده چنین اظهار عقیده نموده است: «ارامنه ترکیه در صدد خیانت برآمده و در نظر دارند استقلال کشور را بخطر انداخته آنرا بدست دشمنان بدهند» (۴).

اتفاقاً در همین موقع در عربستان انقلاباتی بر علیه دولت عثمانی بوقوع پیوسته و دولت یکی از رهبران آنها را بنام شیخ عبدالکریم گرفته همراه با ۲۱ نفر از طرفدارانش بدار آویخت.

حال بینیم چگونه ارامنه مورد سوء ظن قرار گرفتند.

در سال ۱۹۱۲ قبل از آغاز جنگ بین المللی حزب حریت و اتحاد برای بار دوم شکست خورد (شکست اول آنان در سال ۱۹۰۹ بوده است) و حزب بحالت انحلال کشیده شد علت آنهم بیشتر مخالفت عده‌ای از اعضای همان حزب بود که بر هبری سرهنک صادق (صدیق؟) بیک بوجود آمده بود. این اعضاء با پیروان حزب «حریت و ائتلاف» که لیبرال بودند همدست شده دولت را ساقط کردند. حزب لیبرال که اعضاء آن از رجال قدیمی مانند احمد مختار پاشا و کمال و غیره بودند

1 - ibid

2 - Dr. Rifaat .

3 - Extrablatt .

4 - Die Tatsache ... S. 163 - 4

درسیاست آنروز ترکیه رل مهمی را ایفامیکرد. این عده هنگامیکه دولت عثمانی در جنگ بالکان شکست خورد بالطبع اهمیت واقتدار خود را ازدست داده و انقلابیون جوان ترکیه بر هبری انوریك از موقع استفاده کرده زمام امور را بدست گرفتند و در ضمن قیامی که بدین واسطه برپا شده بود نسیم پاشا وزیر جنگ بقتل رسید و انوریك (انورپاشا) و طلعت بیك زمامدار امور شدند. حزب لیبرال پس از این شکست از میدان خارج نشده مشغول اقدامات انتقامجویانه گردید. اولین اقدامی که کرد تهیه نقشه قتل وزیر جنگ وقت محمود شوکت پاشا بود که در ۱۱ ژوئیه ۱۹۱۳ آنرا بمرحله عمل درآورد.

پس از این ترور اعضاء حزب لیبرال مورد تعقیب قرار گرفته عده زیادی از آنان بخارج از کشور فرار کرده اقدامات خود را در پاریس ادامه دادند. در پاریس با یکی از مخالفین سرسخت انقلابیون جوان بنام شریف پاشا که نفوذ و قدرت زیادی داشت نزدیک شده او را بیاری خود کشیدند. ریاست این گروه جدید را پرنس صباح الدین سرهنک صدیق (صادق؟) و شریف پاشا بعهده داشتند.

در جزو همکاران این گروه یکنفر ارمنی بنام صباح گلیان (۱) وجود داشت که با آنان فعالیت مینمود. گروه نامبرده جلسات متعددی داشته و در آنها درباره اوضاع کشور و طرز مقابله با مخالفین خود طرح هائی ریخته گفتگو هائی مینمودند. چندی از تشکیل این جلسات نگذشته بود که اعضاء نامبرده اشتباه بزرگی کرده بدون در نظر گرفتن شرط احتیاط و پیش بینی اسرار خود را با یکی از افسران ترکیه بنام مدحت افندی که خود را عمداً طرفدار آنان معرفی نموده بود در میان نهادند. مدحت افندی اسرار نامبرده را بدولت عثمانی گزارش داد. صباح گلیان که نام او در بالا آورده شده قبلاً عضو حزب هینچاک بوده و اخیراً بعضویت حزب

دانشناکسوتیون در آمده بود .

این حزب با انقلابیون جوان ترکیه همکاریهای شایانی می نمود .

پس از اتخاذ تصمیماتی که گروه حزب لیبرال گرفته بودند صباح گلیان نامبرده چهار تن ارمنی را برای انجام تصمیماتی که اتخاذ شده بود به استانبول فرستاد . حزب هینچاک به این چهارتن روی خوش نشان نداده آنها را نپذیرفت . پلیس استانبول هم بزودی هر چهار نفر را توقیف کرده بزندان انداخت و مدتی پس از این ماجرا اسرار مخالفین دولت که در پاریس و مصر و آتن بسر برده فعالیت مینمودند علنی شد و روزنامه «طنین» در مقالات خود کلیه آن اسرار را منتشر نموده با اطلاع عموم رسانید . (۱) بطوریکه ملاحظه شد این چهار تن ارمنی که جزو مخالفین دولت بودند دارای مقام و شغل حساسی نبوده تنها وظیفه‌ی رابط را ایفاء مینمودند و دولت عثمانی می توانست این چهار نفر را با شدیدترین وجهی تنبیه کرده اعدام نماید یعنی بدینوسیله غائله را بخواباند ولی نظر آنها چیز دیگری بوده و در پی مستمسک و بهانه می گشتند . یک سال بعد یعنی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۵ دولت عثمانی این چهار نفر را همراه ۱۷ ارمنی دیگر که گویا با آنها آشنائی داشته‌اند بدار کشید (۲)

در اینجا کمی حاشیه رفته وضع زندگی و روحیه ارمنه را در نقاط دیگر مورد بحث قرار میدهم .

با جرأت میتوان ارمنه را ملتی صنعتگر و بازرگان و هنرمندانی باذوق و مستعد دانست . با مراجعه بتاریخ و سابقه آنها کمتر دیده شده است که بدون دلیل بفکر انقلاب و شورش افتاده باشند . هنگامیکه افغانها به اصفهان حمله کرده جلفا را در محاصره داشتند ارمنه برای دفاع از خود و شهر اصفهان از دربار صفوی

1 - Die Tatsache ... S. 165 - 168

2 - ibid 166 - 168

تقاضای گرفتن اسلحه نمودند ولی اطرافیان شاه سلطان حسین مخالفت کرده به خواهش آنها جواب منفی دادند. فجایع و خونریزیهای افغانه در جلغا مشهور خاص و عام است. با وجود این فشارها ارامنه طاقت آورده، میهن خود را ترك نکردند. مدتها بعد هنگامیکه نادرشاه بقتل رسید و اوضاع ایران بشدت بهم خورده هرج و مرج بر آن حکمفرما بود علی مردان خان بختیاری که چشم کریم خان زند، پشتیبان جوانمرد ارامنه را دور دیده بود، بجلغا روی آورده چنان ظلم و جور برپا نمود که بیشتر خانواده ها اجباراً آشیانه و خاخه خود یعنی ایران را موقتاً - تا برقراری آرامش مجدد - ترك کردند. (۱)

آزاد خان افغان یکی از سرداران و جاه طلبان این دوره (۱۱۶۶ هجری - ۱۷۵۳ میلادی) هنگام پیروزی چند روزه خود در اصفهان اولین بار متوجه ارامنه بی پناه شده مالیاتی سخت و کمر شکن بر آنان بست. (۲) هنگامیکه کریم خان زند، آن پاکمرد ایرانی، در کشور ما بقدرت رسید، اولین اقدامش تسلی دادن و امیدوار ساختن ارامنه زجر کشیده بود. فرمانی که کریم خان برای جلوگیری از مزاحمت نسبت به ارامنه و تخفیف مالیاتی برای آنان صادر نموده هنوز هم زینت بخش موزه کلیسای وانک جلغا میباشد و خود یکی از بهترین نمونه های آسانگیری و بزرگواری شاهان ایرانی الاصل ما نسبت به اقلیت های مذهبی میباشد.

نمایندگان مذهبی فرقه کارملیت بارها از مهربانیهای کریم خان زند نسبت

1 - A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission of the XvIth and XvIIIth Centuries , London 1939, PP.658, 680 - Charles Picault , Histoire des Revolutions de Perse , Paris MDcccx 2.Bd.P. 336 - Sir John Malcolm , the History of Persia , II London MDcccxv , P . 118

2 - A Chronicle ... I , P . 659

به آرامنه و آزادی دادن بدانها در نامه‌ها و آثاری که از خود بجاگذارده‌اند ستایشها کرده‌اند. (۱) بگفته یکی از سیاحان و دانشمندان اروپائی (۲) کریم خان یکی از آرامنه را بنام گرگین حتی دوست خود خطاب مینموده است. در زمان این مرد بزرگ آرامنه‌ای که بواسطه ظلم و فشار، میهن خود را ترك نموده بودند، فوراً باشنیدن خبر قدرت یافتن کریم خان بایران بازگشتند. اگر آرامنه وطن پرست نبودند با وجود آنکه تمام هست و نیست و نزدیکان خود را از دست داده بودند دیگر باز نمیکشند. (۳)

اکنون بازگردیم بمطلب اصلی.

همکار گرامی در صفحه ۲۸ چنین آورده‌اند :

« قیام آرامنه در سال ۱۹۱۵ و طریقه سرکوب کردن عصیان آنها از حوادث تلخ تاریخ معاصر بشمار میرود. اگرچه این امر بعدها در اتحاد جماهیر شوروی برای عناصر مختلف و در آلمان نازی برای یهودیان بصورت شدید تری تکرار شد ولی مسئله سرکوب کردن قیام آرامنه مانند حوادث مذکور در يك معیار بزرگ و قابل مقایسه با آنها نیست. »

درباره باصطلاح قیام آرامنه مختصری گفتگو شد و بطوریکه مختصراً بدان اشاره گردید تقاضای گرفتن آزادی را هیچگاه نمیتوان قیام مسلحانه دانست. دوست گرامی، سرکوبی و کشتارهای آرامنه را در ترکیه خیلی سهل‌تر و ملایم‌تر از

1 - Franklin , William ; Franklins Bemerkung auf einer Reise ... , Berlin 1790 , S . 340 - 341 - Sir John Malcolm ... II . Bd . PP . 118 , 146 - A Chronicle ... P . 662 , II . Bd P 665

2- Reineggs , Jacob : Allgemeine Historisch - Topographische Beschreibung ... St . Petersburg 1796, S. 168

3- A Chronicle .. I . Bd . P . 662 - Niebuhr , Carsten : Reisebeschreibung ... II Bd . , S . 97 , 109 , 170

اعمال زشت نازیهای آلمان قلمداد کرده‌اند. بنده چون از اعمال زشت و بدی که بقول همکارگرمی در اتحاد جماهیر شوروی رخ داده اطلاع دقیق و علمی ندارم از آنها صرف نظر میکنم و اعمال غیرانسانی و زشت يك مشت دوزخیان نازی را نیز نکوهش و سرزنش مینمایم ولی بامطالعه مختصری که در اعمال عثمانیان درباره ارمنه بدست آورده‌ام هیچگاه نمیتوانم جنایات وحشیانه‌ی مأموران عثمانی را دفاع از استقلال وطن تصور کرده زشت کاریهای آنان را «در يك معیار، بزرگ و قابل مقایسه» با آلمانیهای نازی ندانم.

نازیهای آلمان یهودیان بی پناه را در محوطه های بزرگ در جلوی گودالها قرارداد با مسلسل بزندگی آنان خاتمه میدادند و یا گروه گروه زنان و کودکان و مردان آنها را در سالتنهای بزرگ بدون منفذ برده با بازکردن لوله گاز خفه میکردند و یا اعمال زشت و غیرانسانی دیگری انجام میدادند مأموران دولتی و ژاندارمهای عثمانی هم دست کمی از نازیها نداشته بلکه برخلاف گفته همکار گرمی در سرکوب کردن ارمنه بسیار شدیدتر و بیرحمانه تر از نازیها رفتار میکردند.

ژاندارمهای عثمانی پای کودکان بیگناه ارمنه را گرفته، بدور سر خود چرخانیده و محکم سر آنها را بسنگ میکوبیدند (۱) مأموران دولتی دختر ۱۷ ساله معصومی را گرفته، در جلوی چشم پدر، مادر، برادر و خواهرش با او عمل منافی عفت انجام میدادند. عده زیادی از دوشیزگان و زنان و کودکان را بعنوان برده فروخته و به حرمسراها میفرستادند و یا افسران از آنان بعنوان خدمتکار استفاده مینمودند. یکی از کارمندان آلمانی راه آهن بغداد شاهد مناظر بسیار زشتی بوده است که از گفتن آنها عار دارم. سر بازان محافظ ارمنه ی تبعیدی، بچه های

نوزاد را که مادران تازه زایشان قادر بحمل آنها نمی‌بودند از آنان گرفته بگوشه‌ای انداخته و سپس مادر ناتوان را بادامه راه رفتن مجبور می‌کردند. همین کارمند راه آهن در روی رودخانه نعلش‌های زیادی را دیده که با جریان آب بسوی دریا روانه بودند. (۱)

طبق دستوراتی که از مرکز دولت عثمانی بحکام نواحی ارمنی نشین رسیده بود یکی از حکام، یک گروه سی نفری از دختران تحصیل کرده ارمنی را، تنها بعلت آنکه حاضر بودند از دین خود دست بکشند محکوم کرده آنها را یک یک بین خانواده‌های عثمانی تقسیم کرد.

جریان محاکمه و باسارت دادن این دختران شجاع و با ایمان را انجمن صلیب سرخ آلمان مشروحاً در گزارشهای خود نقل کرده است. (۲)

تهلیریان جوان ۱۸ ساله ارمنی هنگام تبعید خود همراه پدر و مادرو خواهران و برادرانش از نواحی ارضروم شاهد زشتکاریهای مشمژ کننده‌ای میشود که گفتن آنها جایز نیست.

تهلیریان نامبرده در اثر دیدن قتل مادر و پدرش بدست ژاندارمهای عثمانی و اعمال زشت و پلید مأموران دولتی با خواهرش، چنان ناراحت و سرکوبیده میشود که گرفتار یکنوع بیماری مغزی می‌گردد و بالاخره پس از سالها بیچارگی و فرار از میهن خود ترکیه به مرض صرع دچار میگردد.

این جوان ارمنی زجر کشیده در ۱۵ ماه مه ۱۹۲۱ جلاد خانواده و هم‌نژادان خود طلعت پاشا وزیر داخله دولت عثمانی را در برلین دیده بقتل میرساند یا بهتر

1 - ibid , S. 32 , 142 - 143 - Armenia , Cradle of Civilization, P. 288

2 - Die Tatsache .. S. 254 - 5

گفته شود پاداش جنایات وی را با گلوله داده بزندگی وی پایان میدهد. (۱)

نگارنده، گزارشها و دانستنیهای فوق را عمداً و بخصوص از منابع آلمانی که در آن زمان دولت وقتشان، بگفته همکار گرامی « طرفدار حکومت عثمانی بود » گرفته و نقل نموده‌ام تا ایرادی بر من گرفته نشود که بنده فقط از نوشته‌های مخالفین دولت عثمانی از جمله کتب بیشمار انگلیسی و ارمنی اقتباس کرده‌ام. نکته جالب اینجاست که روشن فکران آلمانی، این طرفداری و همکاری دولت آلمان و عثمانی را توهین بزرگی نسبت به ملت آلمان دانسته چنین اظهار میدارند: « برای ملت آلمان تنگ است که دولتش با عده‌ای جانی که بخود ماسک اروپائی زده‌اند متحد شده است آنهم چه متحدی که فقط منتظر آنست تا فرصتی پیدا کرده بزرگترین جنایت تاریخ دنیا را بمرحله اجرا درآورد » (۲)

قتل عام ارمنه در ترکیه عثمانی یا بگفته بعضی‌ها « قصابی ارمنه » تنها بدست پان تورانیست‌های تازه روی کار آمده صورت عمل بخود گرفته و ملت ترکیه در این جنایت چندان شریک نبوده است رهبر این قصابان دو وزیر جاه طلب بنامهای طلعت پاشا و وزیر داخله و انور پاشا وزیر جنگ بودند. خیلی عجیب است که یکی از این دو انقلابی با اصطلاح آزادیخواه هنگامی که بقدرت می‌رسد، دختر سلطان عثمانی را بازواج خود درآورده و برای خود حقوق ماهیانه‌ی بسیار کلانی در نظر می‌گیرد. (۳)

طلعت پاشای آزادی خواه « دست بفرمان بسیار خوبی » هم داشته است. از جمله فرمانهای بیشمار وی که در آنها دستور قتل عام ارمنه را صادر نموده فرمانهایی

1 Der Orient Nummer 6 Jahrgang 1921 , S. 66- 67

2 Heinrich Vierbucher .. , S. 31

3- Ibid S . 43

است که در مجله اوریات شماره ۶ چاپ شده است (۱)

مورخ شهیر یوسف حکمت بایور در کتاب تاریخ ترک (۲) چنین اظهار عقیده کرده است: «دولت عثمانی برای حفظ موقعیت و برای بقای خود باین امر تن داد»
 يك عده کشاورز زحمتکش مظلوم و گروهی کاسب و تاجر و دانشمند بی پناه
 راکشته و تازه اسم آنرا «حفظ موقعیت و بقای خود» می گذارند!

در اینجا مختصراً عده کشته شدگان ارامنه را طبق آمار منتشر شده باطلاع خوانندگان گرامی می رسانم. طبق آمار رسمی و منتشر شده‌ی متخصصین آلمانی از جمله دکتر لپیوس: عده ارامنه‌ای را که در سالیهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ بدست عثمانیان بقتل رسیده‌اند به يك میلیون و سیصد و نود و شش نفر تخمین زده‌اند (۳)
 اکنون مطالب خود را با گفته‌گادستون بیابان می‌رسانم (۴)

« The power of language hardly suffice to describe what has been done and exaggeration is almost beyond power »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

1 - Der Orient ... S. 72 ff .

۲ - نقل از مقاله آقای دکتر اصفهانیان ص ۲۸ .

3 - Die Tatsache ... S. 311. The Armenien Church ... p. 8

4 - Histoire de l' Armenie, p. 388